

## اتحاد کار

شماره ۱۰۳ آذر ماه ۱۳۸۱  
دسامبر ۲۰۰۲

ETEHAD KAR  
DESEMBER 2002  
NO. 103

نامه های خود را به آدرسهای زیر از یکی از کشورهای خارج برای ما پست کنید. تماس با روابط عمومی سازمان:

آدرس پستی (جدید):

ETEHAD  
B. P. N°. 351  
75625 PARIS Cedex 13  
France

آدرسهای سازمان در اروپا:  
آلمان: (جدید)

POSTFACH 290339  
50525 KOLN  
GERMANY

نروژ:

POST BOKS 6505  
RODELO KKA  
0501 OSLO 5  
NORWAY

آدرس آمریکا و کانادا:

E. F. K. I.  
P.O. BOX 41054  
2529 SHAUGHNESSY STREET  
PORT COQUITLAM. B.C.  
V 3 C 5 G O  
CANADA

آدرس پست الکترونیکی  
postchi@noos.fr

آدرس صفحه سازمان در اینترنت  
www.etehadefedaian.org

۲۲۴۱۳۱۰۲۱۷ (۴۹)

فاکس

۶۰۸۶۰۱۳۵۶ (۳۳)

تلفن

بها معادل: ۱/۵ ارو



## وداع با قهرمان

به خاطره بزرگمرد مقاومت و پایداری  
ملت ایران، صفر قهرمانیان

آن روز خود کردند. صفر خان اهل گذشتن از خود و تبدیل شدن به آن چه که دیگران از او انتظار داشتند، نبود. او در سال ۸۰، حدود یک سال قبل از مرگش هنوز تاکید داشت که "مبارزه تاوان دارد و او این تاوان را پرداخته است" و حتی اگر امروز دوباره زندگی را از سر می گرفت و جوان بود "حتما همین راه را می رفت" و اساسا "راه دیگری بلد نیست" (در مصاحبه با روزنامه ایران) آرمان او، شخصیت و ارزش انسان بود و فارغ از ادعا و فروتن زیستن، بزرگ ترین سرمایه زندگی اش بود. به شخصیت دیگران با هر مرام و اندیشه ای احترام می گذاشت و به این دلیل هم مورد

نوزدهم آبان ماه گذشته، صفر قهرمانیان قدیمی ترین زندانی سیاسی جهان، بر اثر سرطان ریه از پای درآمد و در سن هشتاد و یک سالگی جان باخت. صفر قهرمانیان که یاران و هم بندان او سال های سال او را "خان" می نامیدند و به راستی که در بیش از سه دهه تحمل زندان های متعدد کشور در دوران رژیم پهلوی به خان این مقاومت در برابر حکومت زور و زندان در آمده بود، انسانی بزرگ اما بی مدعا و فروتن بود. زندان او با اتهامش چندان تناسب نداشت. برای آن نبود که جرم او سنگین تر از دیگران بود. کم نبودند کسانی که در آن سال ها با توبه نامه ها و گردن کج کردن ها پشت نه فقط به زندان بلکه زندگی تا

ادامه در صفحه ۲۶

## بدرود حسن عزیز، بدرود!



خنده و مزاح و گاه به تندی - تو در زندگی عادی هم تا آن جا که من با تو معاشرت داشتم اینگونه بودی - بحثی می کردی و سرجایت می نشست. و یا به آقای رئیس تذکر آئین نامه ای می دادی. عضو کمیسیون اساسنامه بودی و بعد مخبر کمیسیون و در واقع بار اصلی جمع بندی پیشنهادات وارده -

که کم هم نبودند - و ارائه آن ها به کنگره به عهده ات بود و با چه دقتی این کار را کردی.

بدرود، حسن جان بدرود. اولین بار که ترا دیدم. من تازه به اروپا آمده بودم و مشغله های نشست آن روز امکان آن را نمی داد که اشارات تو را دقیق تر دنبال کنم. وقتی که آن شب بارانی

انگار دیروز بود که در کنار همه ما در کنگره اول و در واقع کنگره موسس سازمان، نشسته بودی و هر از چند گاهی به پشت تریبون می رفتی و با صدای رسایت، گاه با

ادامه در صفحه ۲۷